

گاوها و خرس‌ها

بررسی ۱۰ باور غلط در بازار بورس

سلمان امین

سرشناسه	:	امین، سلمان، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآورنده	:	گاوها و خرس‌ها/ نویسنده سلمان امین.
مشخصات نشر	:	تهران: چالش، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	:	۱۹۱ص: جدول، نمودار؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۲۵۲۲-۸۴-۲
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا
موضوع	:	بورس
رده‌بندی کنگره	:	۱۳۹۵ گ۲ ۷۷لف/ HG۴۵۵۱
رده‌بندی دیویی	:	۳۳۲/۶۴۲
شماره کتاب‌شناسی ملی	:	۴۱۹۸۹۶۶



www.chalesh.ir

گاوها و خرس‌ها

نویسنده: سلمان امین

طرح جلد: ستین فیروزیان

امور فنی و صفحه‌آرایی: نشر چالش

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: بووش، فرشده

چاپ اول: بهار ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۲۲-۸۴-۲

نشر چالش: تهران، خیابان انقلاب، خ ۱۲ فروردین، خ وحید نظری، شماره ۸، طبقه ۵، واحد ۹

تلفن: ۶۶۴۱۴۶۱۰

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است، هرگونه تکثیر و تولید مجدد آن
کلاً و جزاً بصورت چاپی، گپی، انتشار الکترونیک این اثر بدون اجازه کتبی ناشر
ممنوع و موجب پیگرد قانونی است.

فهرست



پیشگفتار.....	۵
فصل اول: در هنگام انتشار اخبار معامله نکنید.....	۱۳
فصل دوم: گذشته خود را در آینده تکرار می‌کند.....	۳۵
فصل سوم: در سه مورد همین نقطه معامله کنید.....	۵۳
فصل چهارم: توانایی سبسی خود را پایه‌گذاری کنید و از آن پیروی کنید.....	۷۷
فصل پنجم: بیشتر پیام‌ها را تا آخر ببندوزید.....	۹۷
فصل ششم: در هنگام اعلام ضرر ضرورت مشورت کنید.....	۱۱۵
فصل هفتم: پولی را وارد بازار کنید که از دست داد. آن برایتان سخت نباشد!.....	۱۳۳
فصل هشتم: روی انجام معاملات تمرکز کنید.....	۱۴۷
فصل نهم: معامله می‌کنم، پس هستم!.....	۱۶۵
فصل دهم: بر احساس خود مسلط باشید.....	۱۷۹

پیشگفتار

تصویر کسی که کنار ساحل دریا، زیر چتر آفتاب‌گیر نشسته و آب‌پرتقال خود را با تکه‌ای لیموترش سر می‌کشد؛ مردان خوش‌پوشی که با کت‌وشلوارهای گران‌قیمت خود، بسته‌های اسکناس را روی هوا تاب می‌دهند؛ یا سکه‌های طلایی که روی یک میز چوبی روی هم قطار شده‌اند؛ این تصاویر، انعکاس همان رؤیایی است که بیشتر افراد از سرمایه‌گذاری در بازار بورس در ذهن دارند. برخی شرکت‌های کارگزاری^۱ بورس و مؤسسات آموزشی هم با ارائه‌ی همین تصاویر بر طبل این خیال‌پردازی‌های واهی می‌کوبند و با استفاده از این نیاز، طمع می‌کنند رویا می‌فروشند. شما به هر انگیزه‌ای که برای خرید چیزی وارد بازار شوید هر چه به دست می‌آورید، همان چیزی است که شما دست‌به‌سینه ایستاده‌اند. اربابان^۲ به صاحبان تجارت - هر نوع تجارتي - در سراسر دنیا، پول‌های توی جیب شما را شمرده‌اند و متأسفانه به آن احتیاج زیادی دارند!

شرکت‌های بزرگ و کوچک در دنیای مدرن به شما اعتماد دارند که به نیازهای شما در زمینه‌های گوناگون پاسخ بدهند، بلکه با فراتر گذاشته و درصدد ایجاد نیازهای تازه برآمده‌اند. اگر به تبلیغات^۳ شبکه‌های گوناگون نگاه کنید، به‌سادگی درمی‌یابید که بسیاری از کالاها و خدمات عرضه شده از

-
1. Brokerage Companies
 2. Media
 3. Advertising

سوی تولیدکنندگان، چیزهایی هستند که نه تنها در اولویت سبد خرید شما نیستند بلکه شاید تا پیش از مشاهده‌ی آن هرگز فکر نمی‌کردید که اصلاً ممکن است روزی به چنین چیزی احتیاج پیدا کنید. به‌رحال کار آن‌ها «فروختن» است، تا روزی که کار ما «خریدن» باشد!

این ماهیت رسانه‌هاست؛ اما چیزی که تبلیغات در بازارهای سرمایه را از سایر بخش‌ها متفاوت می‌کند، شکلی از قمارگونه‌گی است که گویی به‌صورت تفکیک‌ناپذیری با آن رسته‌ی تجاری عجین شده است. به‌ازای هر یک نفری که در بازار بورس با برنامه‌ریزی دقیق و بهره‌گیری از سیستم معاملاتی^۱ کارآمد فعالیت می‌کند، سه یا چهار دهه‌ها و بلکه صدها نفر از این سووآن‌سو پیدا می‌شود که این تجارت را به مثابه‌ی گونه‌ای بازی قمار^۲ یا لاتاری^۳ می‌بینند. آن‌ها بی‌محابت از چپ راست به بازار می‌تازند و دست به خرید و فروش‌های متعدد می‌زنند؛ وون اینکه بتوانند، دست‌کم به خودشان توضیح قانع‌کننده‌ای بدهند. می‌خرند و می‌فروشند و زیان می‌کنند. هرازگاهی سودهای مقطعی کوچک در کارنامه‌ی^۴ معاملاتی‌شان رخ نشان می‌دهد؛ اما دوباره چرخه‌ی معیوب^۵ زیان‌های متوالی را به سر از سر گرفته می‌شود. ماه‌ها و سال‌ها در این بازار بی‌شاخ‌ودم باقی می‌ماند. بارها و بارها پول بی‌زبان خود را در حساب شخصی‌شان تزریق می‌کند؛ اما هر بار

-
1. Trading Systems
 2. Gamble
 3. Lottery
 4. Statement
 5. Vicious cycle

دست‌از‌پادرازتر از میدان برمی‌گردند. من این حس و حال را خوب می‌شناسم. هیچ معامله‌گر موفق‌تری در جهان وجود ندارد که دست‌پایین، برای دوره‌ای در باتلاق بی‌برنامگی و قمارگونگی هنگام انجام معاملات اسیر نشده باشد. اما بین آن‌ها و کسانی که با صرف وقت و هزینه، بی‌فایده در بازار دست‌وپا می‌زنند، تفاوتی بنیادین وجود دارد و آن این است که: «معامله‌گران موفق از باورهای غلط خود رهایی پیدا کرده‌اند.» آن‌ها به‌روشنی دریافته‌اند که فاصله بین کسب سود و ایجاد ضرر در این تجارت به نوع نگاه و تغییر چارچوب‌های ذهنی‌شان گره خورده است.

خریدوفروش در بازار بورس کار سختی نیست. اگر به‌صورت رایانه‌ای و برخط^۱ معامله می‌کنید، کافی است به شبکه‌ی اینترنت متصل باشید و هرگاه تصمیم نهایی‌تان را گرفتید، روی دکمه‌ی خرید یا فروش کلیک کنید؛ به‌همین سادگی! پیچیدگی‌های این تجارت از جنس پیچیدگی‌هایی که در هر کار دیگری سراغ دارید نیست؛ یعنی موفقیت در آن کمترین میزان وابستگی را به کسب مهارت‌های تکنیکی^۲ دارد. چیزی که تفاوت معامله‌گران برتر را با سایرین مشخص می‌کند میزان اطلاعات آن‌ها در انجام معاملات نیست؛ بلکه به‌گمان من نحوه‌ی نگرش^۳ و رویکردشان به این شغل است. باورهای شما تکلیفتان را در این تجارت روشن می‌کند. اگر فکر می‌کنید وارد بازی قمار شده‌اید، مختارید! می‌توانید با همین رویکرد به کسب و کارتان ادامه

1. Online

2. Technical skills

3. Attitude

دهید. به هر حال با وجود اینکه هیچ قماربازی در نهایت پیروز نیست، قمارخانه‌های سرتاسر دنیا هر روز پول دارتر و بزرگ‌تر می‌شوند؛ اما اگر فکر می‌کنید برای پیروزی در بازار بورس و رسیدن به آزادی مالی به قرار و قانون مشخصی نیاز دارید، قبل از هر اقدامی چارچوب ذهنی خود را سامان دهید و بارهایی را که تاکنون کار شما را به شکست کشانده‌اند تغییر داده و یا اصلاح کنید.

بی‌سواد باسواد، بدسواد

تا پیش از گسترش انفجار علم و فراگیر شدن آن در سراسر دنیا، انسان‌ها تنها در دو دسته‌ی بی‌سواد و باسواد طبقه‌بندی می‌شدند. باسوادها می‌توانستند بخوانند، بنویسند و به‌اول روف، لنگان خرک خویش به منزل برسانند؛ اما بی‌سوادها هیچ ارتباطی با دنیای علوم برقرار نمی‌کردند. رفته‌رفته و با تخصصی‌شدن علوم، دسته‌های دیگری به این طرح طبقه‌بندی داخل شد. حالا دیگر، افراد، تنها باسواد یا بی‌سواد نبودند، بلکه به میزان تحصیلات و سطح آموخته‌های تخصصی خود، در رده‌های مختلف علمی جای می‌گرفتند. شاید داستان مدارک دانشگاهی هم به همین طرح طبقه‌بندی مربوط باشد. اما جالب است که در همین راستا نوعی از دانش و آگاهی هم رواج پیدا کرده است که شاید بتوان آن را رسته‌ی بدسوادان دانست. چیزی که بیش از هر چیز زائیده‌ی باورهای ماست.

کودک انسانی در سال ابتدایی تولد، جهان را تنها از طریق حس^۱ خود درک می‌کند. رفته‌رفته هوش^۲ و تخیل^۳ به سیستم شناخت او اضافه می‌شود و کودک را در فهم و درک محیط یاری می‌کند. درست پس از این مرحله است که نظام باورها^۴ به وجود می‌آید و نگاه انسان را به جهان شکل می‌دهد. باورها خوب باشند یا بد، آزاردهنده یا آرامش‌بخش، به هر حال موضوعاتی را دربرمی‌گیرند که ما آن‌ها را چکی و درست پذیرفته‌ایم و اغلب، حاضر به بازاندیشی در موردشان نیستیم. از همین روست که حتی با دیدن نتایج منفی و ناخوشایند هم از تغییر نگاه خود سر باز نمی‌زنیم. از نظر من هر معامله‌گری به بازبینی و اصلاح بعدی باورهای بی که در مورد تجارت در ذهن خود پرورش داده است نیاز دارد. بر این منظور باید نگاهی نقادانه^۵ و علمی را در دستور کار قرار دهد.

علم به معنای دانش،

یا علم در برابر جهل؟!

علم واژه‌ای است پرتکرار که شاید بیش از هر کلمه دیگری در طول روز آن را می‌شنویم. به همین جهت اکثر ما فکر می‌کنیم که از معنای آن به درستی آگاهی داریم و همیشه آن را در جای درست خود به کار می‌بریم. اما واقعیت

-
1. Sense
 2. Intelligence
 3. Imagination
 4. Belief Systems
 5. Critical

این است که برخلاف این همه تکرار، این واژه معمولاً مفهومی غیر از آنچه ما در نظر داریم را منتقل می‌کند.

در محاورات روزمره وقتی صحبت از علم به میان می‌آوریم، معمولاً منظور ما یک «دانستنی»^۱ است در برابر تمام «نادانسته‌ها». مثلاً اگر بدانیم که «نگ لباسمان زرد است» یا «کوچه‌ای که در آن وارد شده‌ایم بن بست است»، این‌ها موضوعاتی است که در حیطه و حریم دانسته‌ها جای می‌گیرند، اما هرگز گزاره‌های علمی نیستند. اما اگر بگوییم که «هر مولکول آب از دو هیدروژن و یک اکسیژن تشکیل شده است» ما گزاره‌ای علمی را در مفهوم دانش^۲ طرح داده‌ایم. بهترین ویژگی علم - در معنای دوم - خاصیت نفی و اثبات‌پذیری آن است. گزاره‌های علمی ابتدا به شکل نظریه^۳ طرح می‌شود، آن‌گاه در صورت عدم رد رنیتی در آزمایشات گوناگون تجربی، تبدیل به قانون می‌شود. قوانینی که ممکن است روزی، توسط یافته‌ی علمی دیگری نقض شود؛ اما تا پیش از آن، به عنوان یک اصل^۴، کلیه‌ی نمونه‌های زیرمجموعه‌ی خود را شامل می‌شود. در مقابل، علم در مفهوم اول (Cognizable/knowledge)، حوزه‌ی عقاید و باورهای باورها حاصل ادراک فردی ما از محیط پیرامونی و ایجاد ارتباطی با علل و معلول بین پدیده‌های غیرتجربی است. به همین دلیل هم هست که دایره‌ی باورهای هر فرد به نسبت افراد دیگر، به شدت متعدد و متغیر است و هرکسی جهان را از

1. Cognizable

2. Science

3. Theory

4. Origin

دیدگاه خود تعبیر و تفسیر می‌کند. باورها نه قابل انکار هستند نه قابل تأیید؛ اما در نهایت، تأثیر شگرفی بر عملکرد ما در زندگی می‌گذارند. باورها جایی در ضمیر و ذهن ما رسوب می‌کنند و سکان هدایت کردار ما را به دست می‌گیرند. به همین خاطر است که باید نسبت به دانسته‌های خود بی‌رحم باشیم و بدانیم چه چیزی را به عنوان یک باور در ذهن خود راه می‌دهیم.

خوشبختانه یا متأسفانه فعالیت در بازارهای بورس کمترین پیوند را با مهارت‌های فنی افراد ندارد. تکنیک‌های ابتدایی که برای شروع کار در این بازار لازم است، از یک برگه‌ی A4 جا نمی‌گیرد. برای آشنایی با قوانین پایه‌ای آن حتی یک هفته زمان کافی است. از اینجا به بعد همه چیز به دانسته‌های معامله‌گران بستگی دارد. دانسته‌هایی که ممکن است به بازتولید باورهای خطرناک و ازدست دادن پول و وقت زیاد منتهی شود. اعتباری که ما به دانسته‌های مختلف می‌دهیم، در کار کردن آن است. باورهای ما، نظرگاه شخصی ما را در بازار تعیین می‌کند و می‌سود حدس زد که اگر از زاویه‌ای اشتباه به آن نگاه کنیم چه فرجامی در انتظارمان خواهد بود.

شاید وقت آن رسیده باشد که همراه هم، جلوه‌ای از رین باورهای بازار علامت سؤال بگذاریم. من در این کتاب قصد دارم ۱۰ باور شرط را که بین معامله‌گران بازار رواج دارد بررسی کنم. باورهایی که تنها پس از راهی از آن، امکان دستیابی به سود پایدار ممکن خواهد شد. در عین حال این ۱۰ باور فکر نمی‌کنم که این ۱۰ باور، تنها باورهای غلط رایج در میان فعالان بازار باشد. ممکن است کسی من را با اضافه کردن باورهای غلط دیگر به چالش بکشد یا بخواهد این نوشتار را با بند و تبصره‌های دیگر، تصحیح و تکمیل کند؛ اما از

نگاه من، این ۱۰ مورد که من در ۱۰ فصل مجزا به نقد و بررسی آن می‌پردازم از کلیدی‌ترین و ریشه‌ای‌ترین مسائلی است که هر فرد حرفه‌ای یا تازه‌کار، بی‌بروبرگرد با آن مواجه خواهد شد. چرا که به اجمال، مباحث عمده‌ای چون تحلیل تکنیکال^۱، تحلیل فاندامنتال^۲، مدیریت سرمایه^۳، بیش‌معامله‌گری^۴، ماملات تأمینی یا پوششی^۵ و مسائل روحی و روانی تأثیرگذار در این تجارت را شامل می‌شود.

روشن‌ترین در این جستار به این صورت است که ابتدا هر باور غلط را معرفی می‌کنم و سپس به نقد و بررسی آن می‌پردازم و در خلال آن، روشی جایگزین یا رویکرد اصلاحی را برای مقابله با هر یک ارائه می‌کنم. ممکن است بعضی از سرفیس‌هایی که در کتاب آورده‌ام در ذات خود غلط نباشد؛ اما نگرش رایج نسبت به آن است، به آن است و یا در بهترین حالت به گزاره‌هایی غیر کاربردی و بی‌مصرف تبدیل شده باشد؛ پس، از شما می‌خواهم که کتاب را با دقت مطالعه کنید و تا به آن رسیدن آن شکایا باشید.

-
1. Thechnical Analysis
 2. Fundamental Analysis
 3. Money Management
 4. Over-Trading
 5. Hedge